

سه شنبه 19 خرداد 15 جمادي الثاني 9 ژوئن

ابو عباس، ولید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموي، که نام مادر او و برادرش سلیمان بن عبدالملک، ولادة بنت عباس عیسی بود، پس از مرگ پدرش عبدالملک بن مروان، به عنوان ششمین خلیفه اموي بر سریر خلافت استقرار ...



مرگ ولید بن عبدالملک اموي - سال 96 هجري قمری

ابو عباس، ولید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموي، که نام مادر او و برادرش سلیمان بن عبدالملک، ولادة بنت عباس عیسی بود، پس از مرگ پدرش عبدالملک بن مروان، به عنوان ششمین خلیفه اموي بر سریر خلافت استقرار یافت و قریب به ده سال حکومت کرد. وي در ایجاد و توسعه بناهاي مذهبي بسیار کوشا بود و آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشت. ساخت مسجد اموي شام، گنبد بزرگ مسجدالاقصي و تجدید بنا و توسعه مسجدالنبي(ص) از آثار به جای مانده عصر او می باشند. پدرش عبدالملک بن مروان، پیش از مرگ خود، وصیت کرد که پس از او، پسرش ولید و پس از ولید، پسر دیگرش سلیمان بن عبدالملک به مقام خلافت نایل آیند. اما هنگامی که ولید بن عبدالملک به خلافت رسید و پایه های قدرت خود را مستحکم نمود، با وسوسه های حجاج بن یوسف ثقفی و قتیبة بن مسلم، که از عاملان و فرماندهان ارشد دستگاه خلافت او بودند، تلاش نمود پسر خویش عبدالعزيز بن ولید را به جای برادر خود سلیمان بن عبدالملک، ولي عهد نماید و در این راه کوشش بسیار نمود.

ولیکن این امر برای او محقق نگردید و عاقبت الامر در نیمه جمادي الآخر سال 96 قمری و در 43 سالگی و یا 47 سالگی، در دمشق وفات یافت و در بخش بیرونی باب الصغیر و به قولی در گورستان "فرادیس" به خاک سپرده شد.

گفته شد که وي دارای نوزده پسر، چند دختر و چندین همسر و امّ ولد بود.

سلیمان بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموي، که مادر وي و برادرش ولید، ولادة بن عباس عیسی بود، پس از مرگ برادرش ولید، به عنوان هفتمین خلیه اموي به مقام خلافت اسلامی نایل آمد.

وي به هنگام مرگ ولید، در رمله به سر می برد و ولي عهد خلافت اسلامی از جانب پدر خویش بود. گرچه ولید بن عبدالملک تلاش فراوانی به عمل آورد تا وي را از ولایت عهدي معزول و فرزند خود را به جای وي به این مقام منصوب کند، ولیکن شرایط و مقتضیات لازم برای او فراهم نگردید و به محض مرگ ولید، اعیان و اشراف حکومت از دمشق به سوی رمله رفتند تا با سلیمان بیعت کنند. ولي سلیمان بن عبدالملک نیز از رمله به سوی دمشق حرکت کرد و در بیت المقدس به هم رسیدند و در آن جا با وي بیعت کرده و به عنوان خلیفه مسلمانان بر وي سلام دادند.

سلیمان بن عبدالملک پس از نایل شدن به خلافت اسلامی به دمشق رفت و دستگاه خلافت را تحویل گرفت و به هواداران خویش بخشش های زیادی نمود و نسبت به کسانی که برادرش ولید را در خلع سلیمان از ولایت عهدي تحریک و تشویق می نمودند، تضيیقاتی قائل شد و فشارهای گوناگونی بر آنان وارد کرد. از جمله قتیبة بن مسلم را از حکومت عراق معزول و به جای او، یزید بن مهلب را به حکومت عراق و خراسان منصوب کرد.

هم چنین وي پس از مرگ برادرش ولید بن عبدالملک، ساخت مسجد جامع اموي را تکمیل نمود.(1)

1- البداية و النهاية (ابن کثیر)، ج9، ص 188

آغاز خلافت سلیمان بن عبدالملک - سال 96 هجري قمری

سلیمان بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموي، که مادر وي و برادرش ولید، ولادة بن عباس عیسی بود، پس از مرگ برادرش ولید، به عنوان هفتمین خلیه اموي به مقام خلافت اسلامی نایل آمد.

وي به هنگام مرگ ولید، در رمله به سر می برد و ولي عهد خلافت اسلامی از جانب پدر خویش بود. گرچه ولید بن عبدالملک تلاش فراوانی به عمل آورد تا وي را از ولایت عهدي معزول و فرزند خود را به جای وي به این مقام منصوب کند، ولیکن شرایط و مقتضیات لازم برای او فراهم نگردید و به محض مرگ ولید، اعیان و اشراف حکومت از دمشق به سوی رمله رفتند تا با سلیمان بیعت کنند. ولي سلیمان بن عبدالملک نیز از رمله به سوی دمشق حرکت کرد و در بیت المقدس به هم رسیدند و در آن جا با وي بیعت کرده و به عنوان خلیفه مسلمانان بر وي سلام دادند.

سلیمان بن عبدالملک پس از نایل شدن به خلافت اسلامی به دمشق رفت و دستگاه خلافت را تحویل گرفت و به هواداران خویش بخشش های زیادی نمود و نسبت به کسانی که برادرش ولید را در خلع سلیمان از ولایت عهدي تحریک و تشویق می نمودند، تضيیقاتی قائل شد و فشارهای گوناگونی بر آنان وارد کرد. از جمله قتیبة بن مسلم را از حکومت عراق معزول و به جای او، یزید بن مهلب را به حکومت عراق و خراسان منصوب کرد.

هم چنین وي پس از مرگ برادرش ولید بن عبدالملک، ساخت مسجد جامع اموي را تکمیل نمود.

اقامه نخستین نماز جمعه در حرم حضرت عبد العظیم در سال 1323 هجري شمسی

نخستین نماز جمعه در حرم حضرت عبد العظیم به امامت آیت الله العظمي محمد خالصي زاده در سال 1323 هجري شمسی اقامه شد. نمازگزاران در این روز به همراه آیت الله خالصي زاده از تهران به سوی شهر ري حرکت کردند و پس از پیوستن نمازگزاران شهرري به این جمعیت در حرم حضرت عبدالعظیم گرد آمدند و به خطبه های عبادی، سیاسی، نمازگوش فرادادند. خطبه های این نماز روز بعد به صورت مخفیانه در تهران چاپ و منتشر می شد. پس از چند هفته فرماندار نظامی تهران طی نامه ای به نخست وزیر وقت در خواست کرد که از ادامه برگزاری نماز جمعه در شهر ري جلوگیری به عمل آید، ولي مقاومت آیت الله خالصي زاده وسایل تبعید ایشان را به یزد فراهم آورد .